

کتاب خوان و کتابداری متفاوت

مصاحبه با پدram میر عظیمی، مسئول کتابخانه اَیسم



امیر مرادی، فرید دادجو و امیرحسین حاج علی زاده به کودکان طیف اَیسم که اختلال شدیدتری دارند، کمک می‌کنم.

مثلاً در اینترنت لیست مراکز پیش دبستانی و کودکانها رو پیدا می‌کنم تا داوطلبای انجمن برای آموزش و اطلاع رسانی به این مراکز برن و به افراد جامعه درباره اَیسم آگاهی بدن.

■ پدram: در برنامه طیب که ۳ اسفند سال گذشته از شبکه سه پخش شد حضور داشتی؛ از اون برنامه برامون بگو.

بله به همراه آقای توکلی به برنامه طیب دعوت شدیم و منم تلاش کردم تا حرف جامعه اَیسم رو به گوش مردم برسونم.

من در برنامه طیب خواستم که مسئول کتابخانه خانه امید ۲ باشم که خداروشکر بعد از اون برنامه من رو مسئول کتابخانه کردند. (با خوشحالی)

■ چرا خواستی که مسئول کتابخانه باشی؟

چون خودم مطالعه و کتابخوانی رو دوست دارم و می‌خوام از این طریق خانواده‌های اَیسم بیشتر با این اختلال آشنا بشن و اطلاعات بیشتری داشته باشن.

■ مراسم افتتاح کتابخانه چطور برگزار شد و چه کسانی در مراسم حضور داشتن؟

اول خرداد ماه بود که کتابخانه اَیسم افتتاح شد. برای من خیلی روز بزرگی بود و خیلی خوب مراسم برگزار شد. خانم فاطمه گودرزی و خانم شبنم قلی‌خانی از سفیران انجمن، مسئولین و خبرنگاران زیادی در مراسم بودن. بعد از افتتاحیه هم از روزنامه همشهری، همشهری محله، روزنامه شهروند و شبکه هفت به کتابخانه اومدن و گزارش تهیه کردن.

■ چه آرزو و برنامه‌هایی برای کتابخانه اَیسم داری؟

از خانواده‌های اَیسم و خیرین درخواست می‌کنم تا از نظر مالی هر چقدر در توانشون هست کمک کنن تا ما بتونیم کتاب‌های مورد نیاز برای کتابخانه رو تهیه کنیم و همه بتونن از کتاب‌ها استفاده کنن. همچنین از هیئت مدیره انجمن

اَیسم ندادن تا اینکه چند سال پیش یکی از متخصصین به من گفت که اَیسم دارم و از اون زمان متوجه شدم در طیف اَیسم هستم و با این اختلال آشنا شدم.

■ خواهر و برادر هم داری؟

یک خواهر ۱۸ ساله دارم که برای کنکور درس می‌خونه.

■ چطور با انجمن آشنا شدی؟ از چه سالی عضو انجمن شدی؟

یک روانشناس که منو می‌شناخت انجمن رو به من معرفی کرد و از سال ۹۶ عضو انجمن اَیسم ایران هستم.

■ در مدتی که در انجمن بودی چه کارهایی انجام دادی؟

به عنوان داوطلب و جوان توانمند اَیسم در انجمن به همراه دوستانم

■ خودتو برای ما معرفی می‌کنی؟

من پدram میرعظیمی هستم ۲۷ ساله، فوق لیسانس مدیریت امور فرهنگی و مسئول کتابخانه ساختمان شماره ۲ انجمن اَیسم ایران هستم. ■ پدram از دوران تحصیل برامون بگو.

من در مدرسه عادی درس می‌خوندم. در مدرسه دوستای زیادی داشتم ولی به سختی می‌تونستم با اون‌ها ارتباط برقرار کنم. از اختلال خودم اطلاع نداشتم. همانطور که می‌دونید یکی از علائم اَیسم، نقص در برقراری ارتباط با دیگران. ■ کی متوجه شدی که در طیف اَیسم هستی؟

من اون زمان به خیلی از روانپزشک‌ها مراجعه کردم ولی تشخیص

اتیسم ایران هم می‌خوام با ناشرانی که کتاب‌های مرتبط با اتیسم را چاپ می‌کنن مذاکره کنن تا ما بتونیم کتاب‌های مورد نیاز کتابخانه رو راحت‌تر تهیه کنیم.

دوست دارم که کتابخانه انجمن رو گسترش بدم و بزرگش کنم و باز هم از هیئت مدیره محترم و خیرین نقاضا دارم که در تجهیز کتابخانه همکاری کنن.

■ **خودت اهل کتاب و مطالعه هستی؟**

بله هستم؛ خیلی زیاد

■ **چه کتاب‌هایی می‌خوانی؟**

کتاب زیاد می‌خوانم و بیشتر درباره موضوعات روانشناسی و تاریخی مطالعه می‌کنم.

■ **در دوران تحصیل هم کتاب غیردرسی می‌خواندی؟**

نه زیاد؛ بیشتر کتاب درسی می‌خوندم.

■ **چه افرادی می‌تونن از کتابخانه انجمن استفاده کنن؟**

هرکسی که خواست میتونه بیاد و کتاب به امانت بگیره و بخونه.

■ **خانواده ات از اینکه مسئول کتابخانه شدی استقبال کردن؟**

بله خیلی زیاد.

■ **در حال حاضر چند جلد کتاب در کتابخانه انجمن وجود داره؟**

نمیدونم دقیق نشمردم؛ فکر کنم حدود ۷۰۰ جلد.

■ **پدرام؛ شما به عنوان یک فرد دارای اختلال طیف اتیسم، با چه مشکلاتی در جامعه روبه رو هستی؟**

یکی از مشکلات من و سایر دوستانم اینه که آگاهی از این اختلال در جامعه هنوز کمه و به اندازه کافی از افراد اتیسم حمایت نمیشه. مشکل سربازی، بیمه و خیلی از مشکلات دیگه هنوز وجود داره که امیدوارم زودتر حل بشه.

■ **به عنوان سؤال پایانی، چه صحبتی با خوانندگان فصلنامه آوای اتیسم داری؟**

از شما می‌خوام که درخواست منو در مجله چاپ کنید تا خیرین والدین کودکان اتیسم اون رو بخونن تا بتونیم با کمک هم کتابخانه رو تکمیل کنیم.

ممنون که وقتت رو در اختیار ما قرار دادی پدرام عزیز! موفق باشی

